

Shiraz-Beethoven.ir

فهرست

۷	مقدمه مترجم
۹	مقدمه
۱۱	فصل اول: صدا، ارتفاع صدا
۲۷	فصل دوم: صدا، ارتفاع صدا (ادامه)
۳۷	فصل سوم: ریتم، متر، زنجیر
۷۹	فصل چهارم: فواصل
۱۰۵	فصل پنجم: آکوردها
۱۱۷	فصل ششم: مفاهیم کلی مُد و عناصر آن
۱۲۳	فصل هفتم: مازور
۱۴۱	فصل هشتم: مینور
۱۵۱	فصل نهم: فواصل و آکوردهای اصلی مازور و مینور، حل فواصل و آکوردها
	فصل دهم: نُتالیه‌های همتام، بررسی مقایسه‌ای مازور و مینور، امکانات بیانی مازور و مینور، تعیین نُتالیه اثر
۱۶۳	فصل یازدهم: دیاتونیزم، پنتاتونیک، انواع خاص مازور و مینور دیاتونیک، مفاهیم کلی پاره‌ای
۱۸۷	مُد‌های دیگر
۲۰۵	فصل دوازدهم: مفاهیم کلی مُدولاسیون و خویشاوندی نُتالیه‌ها، کروماتیزم، گام کروماتیک
۲۱۹	فصل سیزدهم: انتقال
۲۲۳	فصل چهاردهم: حرکت ملودیک، انواع دینامیک، مفهوم بافت
۲۴۵	فصل پانزدهم: اطلاعاتی از حوزه نحوه موسیقی
۲۵۵	ضمیمه ۱: علائم اختصاری نت‌نویسی
۲۵۹	ضمیمه ۲: طرح‌های حرکات رهبری
۲۶۱	ضمیمه ۳: پاره‌ای اصطلاحات موسیقایی
۲۶۶	راهنمای کتاب تکالیف و تمرینات تئوری مقدماتی موسیقی، تألیف و ویرایش چوستنکو

مقدمه مترجم

کتاب درسی تئوری مقدماتی موسیقی، تألیف موزیکولوگ و پداگوگ برجسته روس، ایگور ولادیمیروویچ اسپاشین (۱۹۵۴-۱۹۰۰)، در سال ۱۹۵۱ چاپ شده و سال‌ها است که به صورت گسترده تدریس می‌شود. این کتاب برای دوره‌های تئوری مقدماتی موسیقی در مؤسسات آموزش موسیقی در نظر گرفته شده است، با این حال می‌تواند به صورت انفرادی (به شکل خودآموز) هم مورد استفاده قرار گیرد.

با آنکه کتب جدیدتری در این حوزه تألیف و در روسیه منتشر شده‌اند (از جمله کتاب تئوری مقدماتی موسیقی، تألیف ب. آلکسیف و آ. میاسویه‌دوف در سال ۱۹۸۴، همچنین تئوری مقدماتی موسیقی، تألیف و. واخرومیف و غیره)، به نظر می‌رسد این کتاب همچنان اهمیت خود را به عنوان یک کتاب پایه و کلاسیک حفظ کرده است.

از آنجا که مترجم در سال‌های اخیر کتب آموزشی دیگری در زمینه هارمونی، فرم موسیقی، پلی فونی و... را هم از مکتب آموزش روس به فارسی ترجمه کرده است جای خالی چنین کتابی احساس می‌شود. به علاوه، ویژگی‌های خاصی که این کتاب در مقایسه با کتب دیگری که در سال‌های اخیر در این حوزه در ایران چاپ شده‌اند دارد نیز محرک دیگری برای ترجمه این کتاب بوده است. از جمله این ویژگی‌ها می‌توان به طور اختصار به موارد زیر اشاره کرد:

۱. رویکرد متفاوت نسبت به تعریف و طبقه‌بندی انواع مختلف مترها و میزان‌ها؛
۲. توجه ویژه به موضوع مدها و ارتباط درجات پایدار و ناپایدار در مدها؛
۳. مبحث مفصل درباره فواصل و موضوع فواصل ویژه یا خاص؛

۴. اطلاعات مربوط به نحو موسیقایی (ساختمان موسیقایی، کادانس‌ها، پرئود، جمله و غیره)؛

۵. مُدولامبیون، انتقال، ملیسم‌ها و همچنین موارد متعدد دیگری که در این مقدمه کوتاه نمی‌توان به آنها پرداخت.

لازم به ذکر است با توجه به اهمیت زیاد تمرینات عملی در حوزهٔ تئوری موسیقی، مترجم کتاب مجموعه تمرینات و تکالیف تئوری مقدماتی موسیقی، تألیف و جوستینکورا هم به فارسی ترجمه کرده است که تمرینات آن به موازات فصل‌های این کتاب به‌کار گرفته می‌شوند و همراه با کتاب حاضر توسط ناشر عرضه شده است. در پایان کتاب، فهرست راهنمای مربوط به کتاب و جوستینکورائه شده است.

در پایان، از همکاری صمیمانهٔ جناب آقای شهاب منا، مدیر محترم نشر خُنیاگر، و جناب آقای امیرآهنگ هاشمی که با حوصله و دقت فراوان متن ترجمه را مطالعه و نکات سودمندی را به من گوشزد کردند سپاسگزارم.

مسعود ابراهیمی

تیر ۱۳۹۷

برای درست خواندن و درست نوشتن باید به کلمات، معنی آنها و گرامر (قواعد بیان) آشنا بود. برای ساختن، نواختن یا خواندن درست موسیقی باید به تئوری موسیقی آشنا بود. به همین علت، هدف از آموزش تئوری موسیقی در وهله اول **آشناسازی** برای ساختن یا اجرای آثار موسیقایی است.

لذا آنجا که موسیقی از تعداد زیادی عناصر گوناگون تشکیل شده است؛ پس **تئوری موسیقی** به چند بخش (شاخه) تقسیم می شود که عبارتند از: تئوری **مقدماتی**، هارمونی، پلی فونی، ارکستراسیون، آموزش فرم های موسیقایی.

تئوری **مقدماتی** نوعی گرامر موسیقایی اولیه است که باید اطلاعات نظام مند و اولیه یک سلسله از مهم ترین عناصر موسیقی را به آگاهی هنرجو برساند. تئوری **موسیقی مبتنی بر قوانین کنونی موسیقی محلی و کلاسیک** است.

اکثر اطلاعات درباره املاي موسیقایی وارد این دوره از تئوری **مقدماتی** می شوند. این اطلاعات، به قدر لزوم، در بخش های مختلف این دوره و در **تطابق با عناصر جداگانه موسیقی ارائه شده اند.**

فصل اول

صدا. ارتفاع صدا

۹- صدا. صدا به عنوان یک پدیده فیزیکی در حکم حرکات نوسانی یک جسم، منبع صدا (سیم، ستون هوا در ساز بادی، صفحه، پوست و غیره) است؛ منبعی که امواج صوتی (غلیظ و رقیق شدن های متناوب در هوا) را به وجود می آورد. تأثیر امواج صوتی بر اعضای شنوایی، که از طریق عصب شنوایی به مغز منتقل می شود، احساس صدا را ایجاد می کند. احساس، طبق تعریف و ایندین، حسی است که از تحریک بیرونی به واقعیت آگاهی است. به این ترتیب، منبع صدا، امواج صوتی و عملکرد دستگاه شنوایی به طور عینی وجود دارند. چگونگی انتقال امواج صوتی به بدن قرار است؛ نوسانات منبع صدا، امواج صوتی. تأثیر امواج صوتی بر اعضای شنوایی، انتقال تحریک انجام شده به مغز توسط عصب شنوایی.

در طبیعت، کثرت بی پایانی از اصوات وجود دارد اما همه اصوات نمی توانند در حکم مصالح موسیقی باشند.

اصوات موسیقایی، برخلاف سروصدا، از ویژگی های خاصی برخوردارند: آنها صوتی برگزیده و سازمان یافته در سیستمی معین اند؛ سیستمی که در فرآیند شنیدن، تکامل فرهنگ موسیقایی تدوین شده است و برای بیان اندیشه ها و احساسات موسیقایی به کار برده می شود.

ششم کوچک به عنوان جمع چهارم درست و فاصله سوم با همان کیفیتی که فاصله ششم باید باشد، ساخته می‌شود: چهارم درست + سوم کوچک؛ سوم کوچک + چهارم درست.

ششم بزرگ به عنوان جمع چهارم درست و فاصله سوم با همان کیفیتی که فاصله ششم می‌طلبد: چهارم درست + سوم بزرگ؛ سوم بزرگ + چهارم درست.

هفتم کوچک به عنوان جمع پنجم درست و فاصله سوم با همان کیفیتی که فاصله هفتم می‌طلبد: پنجم درست + سوم کوچک؛ سوم کوچک + پنجم درست.

هفتم بزرگ به عنوان جمع پنجم درست و فاصله سوم با همان کیفیتی که فاصله هفتم می‌طلبد: پنجم درست + سوم بزرگ؛ سوم بزرگ + پنجم درست.

ساختن فواصل درست با این مسئله آسان‌تر می‌شود که درجاتی که فواصل درست از آنها تشکیل شده‌اند هر دو تغییر نیافته‌اند یا هر دو به طور یکسان تغییر یافته‌اند (یعنی به طور یکسان بالا آمده یا به طور یکسان پایین آمده هستند). چهارم‌ها و پنجم‌های درست متشکل از درجات فاسی و سی-فا استثنا هستند:

مثال ۱۰۶.



۴۳. فواصل افزوده و کاسته. فاصله‌ای که نیم‌پرده کروماتیک بیشتر از فاصله درست یا بزرگ است اما وسعت درجه‌ای یکسانی با آن دارد، افزوده نامیده می‌شود. فاصله‌ای که نیم‌پرده کروماتیک کمتر از فاصله درست یا کوچک است اما وسعت درجه‌ای یکسانی با آن دارد، کاسته نامیده می‌شود.



مثال ۱۶۸.

۶۸. خواص درجات مُد ماژور. در ماژور سه صدای پایدار (درجات I, III, V) وجود دارد. این سه صدا جزو تریاد تنیک هستند. پایداری این درجات یکسان نیست. درجه I (تنیک) که به منزله تکیه‌گاه اصلی مُد است پایدارتر است؛ درجات III و V کمتر پایدارند.

هریک از این درجات فقط زمانی پایدار قلمداد می‌شود که همراه با آن تریاد درجه I اجرا می‌شود. هریک از همین سه درجه، اگر با آکوردهایی دیگر همراه باشد، از پایدار بودن دست می‌کشند. از اینجا چنین برمی‌آید که در شرایط سیستم مُد، پایداری درجه (از جمله نیز تنیک) بستگی به این دارد که چه چیزی به‌طور هم‌زمان با آن صدا می‌دهد. به همین دلیل، در ادامه و در توضیحات بعدی، اصطلاحات «پایداری» و «ناپایداری» بدون قید و شرط‌های خاص و به‌ویژه از لحاظ امکانات صورت پذیرفته یا صورت نپذیرفته به‌کار گرفته خواهند شد.

چهار درجه باقی مانده ماژور طبیعی - I, IV, VI و VII - ناپایدارند و در آنها (در صورت شرایط مناسب) گرایش به فاصله دوم به صدای پایدار دیده می‌شود. همان‌گونه که از طرح زیر پیداست، برای درجات ناپایدار II و IV، امکان حل به فاصله دوم به هر دو طرف (به پایین و بالا) وجود دارد:

II-I

II-III

IV-III

IV-V

دو درجه ناپایدار باقی مانده می‌توانند به فاصله دوم فقط در یک جهت حل شوند:

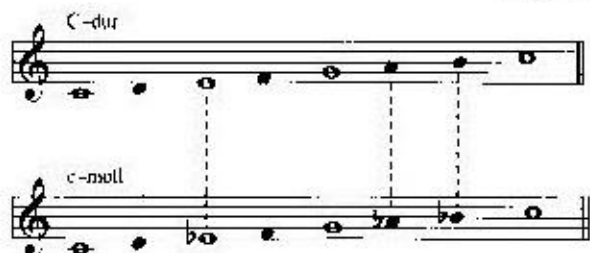
VI-V

VII-I

Shiraz-Beethoven.ir

۸۶. بررسی مقایسه‌ای مازور و مینور طبیعی، مقایسه مازور و مینور طبیعی بر مبنای ثنالیته‌های همنام راحت‌تر است، زیرا در آنها خطوط شباهت و تفاوتشان به خوبی پیداست.

تفاوت مازور طبیعی و مینور طبیعی در این است که درجات III، VI و VII آنها نیم پرده کروماتیک با هم فاصله دارند؛ تفاوت در سه علامت کلیدی هم از همین جا ناشی می‌شود. چهار درجه باقی مانده I، II، IV و V دارای موقعیت ارتفاعی یکسان‌اند:



به همین دلیل، می‌توان از مازور طبیعی یا پایین آوردن درجات III، VI و VII به اندازه نیم پرده کروماتیک، مینور همنام طبیعی را به دست آورد. برعکس، می‌توان از مینور طبیعی یا بالا بردن درجات III، VI و VII به اندازه نیم پرده کروماتیک، مازور همنام طبیعی را به دست آورد. مقایسه بعدی مازور و مینور را بر مبنای همین ثنالیته‌های همنام جلو می‌بریم:

مازور

مینور

تفاوت‌ها در ارتفاع درجات

همان‌گونه که در بالا ذکر شد، تفاوت میان مازور طبیعی و مینور طبیعی در سه درجه III، VI و VII است. این تفاوت میان مازور و مینور به منزله بیشترین تفاوت است؛ تفاوتی که قبل از همه در ساختمان و ترکیب گام‌های آنها ظاهر می‌گردد (مثال ۲۲۴ را ببینید).